

ماهنامه فرهنگی دانشجویی دیدار
سال دوازدهم، شماره ۱۷۵، مردادماه ۱۴۰۳

درد

فلسطینیان

ملک لکل الفلسطینیان
Palestine belongs to all Palestinians

- قصاص غزه
- صلح، بازمانده ای ناکارآمد از هیروشیما و ناکازاکی
- بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم عزاداری اربعین حسینی
- شوق پرواز
- معرفی کتاب «رو به پایان»
- لاله‌های سرخ
- حقوق بشر و غزه
- شهید میلاد بیدی، فدائی حریم زینب(س)

شناسنامه

سردبیر: ریحانه عنبری

مدیر مسئول: بهرخ قادری

ویراستار: ملیکا نعمت‌اللهی

طراح: محمد حشمتی

ماهنامه فرهنگی دانشجویی دیدار

سال دوازدهم، شماره ۱۷۵، مردادماه ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای

دانشجویان دانشگاه شیراز

شماره مجوز: ۲۵۹/ک ن ش

فهرست

- ۴ ----- قصاب غزه
- ۶ ----- صلح، بازمانده ای ناکارآمد
- ۹ ----- بیانات رهبر معظم انقلاب
- ۱۲ ----- شوق پرواز
- ۱۴ ----- معرفی کتاب «رو به پایان»
- ۱۶ ----- لاله‌های سرخ
- ۱۸ ----- حقوق بشر و غزه
- ۲۰ ----- شهید میلاد بیدی

جای قلم شما در دیدار خالی

ست، پذیرای آثار و دست‌نوشته‌های

گرانقدرتان هستیم همچنین

نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما

مایه‌ی مسرت‌ما و ارتقاء نشریه

خواهد بود. برای ارتباط با ما کافی

ست کد زیر را اسکن کنید



سخن سردبیر

ریحانه عنبری کارشناسی ریاضیات و کاربردها

رسم دیدار با خانواده شهدا مراسمی ست که از سال ۱۳۷۹ توسط ۵-۶ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز کلید خورد و به برکت خون شهدا تا به امروز ادامه داشته و دانشجویان زیادی مشتاقانه از این مراسم باصفا و سرشار از صمیمیت و برکت، استقبال میکنند.

دیدار تبدیل شد به فرهنگی که یاد و خاطره شهدا، ایثار و از خودگذشتگی، خدمت به جامعه و قدردانی را در نسل دانشجویان دانشگاه شیراز زنده نگاه داشته است.

در همین راستا فضایی دانشجویی ایجاد شد برای تفکر و اندیشه، جریان یافتن دغدغه فرهنگی در افکار و فرصتی برای دست به قلم شدن و مکتوب کردن.

انسان آمیزهای از عقل و احساس است. با ابزار تفکر پیش میرود و به کمال عقلانی میرسد. تفکر، زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی میشود. خداوند به ارزش قلم و رسالت والای آن در قرآن کریم قسم یاد کرده و ارزش قلم نه تنها در این است که اظهار قلبی و آگاهی فردی را ماندگارتر میکند بلکه دست بردن به قلم خود به تنهایی انسان را وادار به کسب آگاهی میکند و از پرتگاه بی تفاوتی نجات میدهد و حیطة ی اثر تفکر و اندیشه را چنان گسترده میکند که گاه توانسته ملتی را نجات دهد و جامعه ای را زنده کند.

تلاش ما در «دیدار» بر این است که دانشجو قلم تفکر و دغدغه ی خود را به تحریر در آورد. همچنین در هر شماره تلاش میشود گوشه ای از رشادت ها، خصوصیات، مرام، رفتار و سیره ای از زندگی شهدا مکتوب گردد.

وَمَنْ يُطِغِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ
وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

قصاب غزه

زینب حسینی کارشناسی مدیریت صنعتی



دیری نباید که آن‌ها هم مانند بزرگترین حامیشان جل‌وپلاشان را با خفت جمع می‌کنند و مجبور می‌شوند خانه را به صاحب خانه‌های اصلیشان بازگردانند

تا آن روز خون دل می‌خوریم از چنگال‌هایی که گلوی برادران و خواهران مسلمانان را می‌فشارند با فکر انتقام زندگی می‌کنیم و تمام دارودسته این قاصب و جامعه‌ای که وحشیانه این عمل را تشویق می‌کنند را به کام مرگ می‌فرستیم ننگ این بی‌آبرویی هرگز از پیشانی آمریکا و متحدانش پاک نخواهد شد و تاریخ از این ظلم و جنایت‌ها بسیار روایت خواهد کرد

حکم جلب «بنیامین نتانیاهو» در دادگاه‌های بین‌المللی امضا می‌شود و بسیاری از کشوران غربی، اعلام می‌کنند، در صورت ورود نتانیاهو به کشورشان دستگیرش می‌کنند؛ اما آمریکا، این کشور ریاکار که خودش را مخالف تروریسم معرفی می‌کرد و سال‌ها با نام حقوق بشر، فخر می‌فروخت با بی‌اعتنایی به این قضاوت‌ها و تفکرات عمومی با بی‌شرمی این جنایتکار قرن را روی صحنه‌ی کنگره‌اش می‌آورد و دیوانه‌وار تشویقش می‌کنند

در طول این برنامه او حرف زد و از داندان‌هایش خون چکید و همدستان وقیح و خونخوارش هم، دستی بر پیکر کودکان غزه بردند و بی‌اعتنا به ناله‌هایشان خون مکیدند

نگ این کار تا ابد بر چهره‌ی آمریکا که خود او شیطان بزرگی است، خواهد ماند. و دیر یا زود این جوی قرمز رنگ، سیل خروشان می‌شود که کاخ سفیدشان را به سیاهی قلبشان رنگ می‌زند

اسرائیل به پایان نزدیک می‌شود و هر لحظه وقیح‌تر از قبل وانمود می‌کند، هیچ اشتباهی در اینکه مسئول بزرگترین جنایت تاریخ و نسل‌کشی در یک کشور مورد ظلم قرار گرفته مسلمان هستند، رخ نداده است

صلح ، بازمانده ای ناکارآمد از هیروشیما و ناکازاکی نرجس فروهیده کارشناسی علوم سیاسی

۷۸ سال پیش، در چین

روزی شهر هیروشیما در ژاپن از سوی آمریکا با بمب اتمی ویران شد. حمله‌ای که در لحظه، ۷۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاند و حدود ۷۰ هزار نفر دیگر نیز دچار جراحات شدیدی شدند که در نهایت به مرگ منجر شد

حدود ساعت ۹ صبح ششم آگوست، در بحبوحه‌ی جنگ جهانی دوم، تمام تلاش‌های مقامات ژاپنی در توكيو برای هرگونه ارتباط‌گیری با هیروشیما نافرجام ماند؛ گویی که هرگز چین شهری وجود نداشته است. این در حالی بود که چندی قبل، رادارها تنها حضور چند هواپیمای محدود آمریکایی را در آسمان نشان داده بودند و باتوجه به دانش نظامی آن زمان، به‌طور منطقی این تعداد اندک هواپیما، نمی‌توانست خسارت بزرگی به بار آورده باشد.

نتیجه این شد که یک خلبان ژاپنی مأموریت پیدا کرد، با هواپیما به هیروشیما پرواز کند و وضعیت را اطلاع دهد. آنچه خلبان دید، تا آن روز در هیچ جای جهان سابقه نداشت. جایی که قبلاً شهر هیروشیما قرار داشت، ابر بزرگی از دود تشکیل شده بود و زیر آن تقریباً تمام شهر در آتش می‌سوخت، این اولین بار بود که بشر با «بمب

اتم» مواجه شد؛ البته این پایان ماجرا نبود...

سه روز بعد از «پسر کوچک»، بمبی که هیروشیما را ویران کرد، نوبت به «مرد چاق» رسید. خلبان هواپیمای حامل بمب دوم، نهم آگوست ۱۹۴۵ به دلیل شرایط جوی، به‌جای شهر کوکورو، بمب را در ناکازاکی رها کرد. قدرت انفجاری مرد چاق، به‌دلیل وجود تپه‌های اطراف کانون انفجار، تا حدودی کاسته شد؛ اما این بمب نیز ۴۰ هزار نفر را به کام مرگ کشید

در مجموع با حساب مجروحانی که بعداً به جمع کشته‌شدگان اضافه شدند، بیش از ۲۰۰ هزار نفر در بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی جان خود را از دست دادند. در این دو انفجار، همه‌ی موجودات زنده از انسان و حیوان، به‌خاطر حرارت و فشار وحشتناک ایجاد شده که تا ۳ هزار درجه‌ی سانتیگراد می‌رسید، به‌معنای دقیق کلمه سوختند؛ آن‌هایی که بیرون از ساختمان‌ها و در فضای باز بودند، سوختند و آن‌هایی هم که درون ساختمان‌ها بودند، به‌خاطر هجوم فشار و دما جان خود را از دست دادند

ترومن و مقامات آمریکایی سعی داشتند تا این باور عمومی را ایجاد کنند که استفاده از بمب اتم، تنها راه پایان جنگ و تسلیم ژاپن محسوب می‌شد و برای نجات





جان میلیون‌ها آمریکایی ضروری بود. این ادعا در حالی مطرح شد که پیش از حمله اتمی به ژاپن، توکیو، پایتخت این کشور به واسطه بمباران هوایی گسترده آمریکایی‌ها و ریختن ۱۷۰۰ تن بمب آتش‌زا ویران شده بود و در عمل اکثر زیرساخت‌های اساسی ژاپن در شهرهای مهم نابود شده بود. حالا پس از گذشت ۷۸ سال از این جنایت، مردم ژاپن، هر سال مراسم یادبود عزیزانشان را در حالی که به جای «فریاد زدن»، با سنت «یک دقیقه سکوت» برگزار می‌کنند که فریاد زدن ابعاد این جنایت و مجازات‌نشدن عاملان آن، راه را برای تداوم آدم‌کشی مهیا کرده است امروز بر همه ثابت شده است که بمب اتم، تنها برگی از دفتر هزار برگ جنایت‌ها و نقض حقوق بشر توسط آمریکا است و سلاحی که ترومن از خدا برای استفاده صحیح از آن کمک می‌خواست، چیزی جز وسیله‌ای برای ادای احترام به شیطان نبود نکته‌ای که در مورد ژاپن کمتر به آن توجه می‌شود، جنایت‌هایی است که خود ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم و پیش از آن مرتکب شده است. بعد از دوران می‌جی ژاپن، برهه‌ای از ملی‌گرایی و نظامی‌گری شدید در این کشور شکل گرفت و کشورهای همسایه ژاپن

به‌ویژه چین و کره آسیب‌های زیادی از جانب ژاپن متحمل شدند. بنابراین بعد از اتمام جنگ جهانی دوم و تسلیم ژاپن، جا انداختن این مطلب که مقصر بمباران اتمی، خود ژاپن بوده، کار سختی نبود. به همین علت آمریکا توانست از این حربه استفاده کند و در توجیه استفاده از بمب اتم، این مطلب را در اذهان عمومی جا بیندازد که امکان نداشت، بدون استفاده از بمب اتم جنایت‌های ژاپن متوقف شود، اگرچه استفاده از بمب اتم به دلیل شدت خسارت‌ها محکوم بود و بسیاری حتی در داخل آمریکا از آن انتقاد کردند...



بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم عزاداری
اربعین حسینی
ریحانه عنبری کارشناسی ریاضیات و کاربردها



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«در زیارت عاشورا، شما به امام

حسین (علیه السلام) عرض می کنید:
«يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلَّمٌ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ
وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»
«إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» یعنی چه؟ یعنی
این کارزار میان جبهه‌ی حسینی و
جبهه‌ی یزیدی تمام‌نشده است؛
این کارزار ادامه دارد. جبهه‌ی
حسینی خودش را معرفی کرده؛
امام حسین (علیه السلام)، در همین
سفر کربلا، در چند جا مشخص
کرده که حرفش چیست، هدفش
چیست. فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا
جَائِرًا؛ مَسْأَلُهُ، مَسْأَلَةُ ظَلَمٍ،
مَسْأَلَةُ جُورٍ است. «مُسْتَحِلًا لِحُرْمِ
اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ... يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ
بِالْجَوْرِ وَ الْعُدْوَانِ»؛ مسأله این است.
این جبهه‌ی حسینی است که در
مقابله‌ی با ظلم فعالیت می‌کند و
جهاد می‌کند. نقطه‌ی مقابلش هم
جبهه‌ی ظلم و جُور است، جبهه‌ی
شکستن عهد الهی است
امروز شما در دنیا این را
می‌بینید، قبل از دوران امام حسین
(علیه السلام) هم این دو جبهه‌ای
وجود داشت، در زمان بعد از ایشان
و امروز هم وجود دارد، تا آخر
هم وجود خواهد داشت. در همه‌ی
این‌ها «إِنِّي سَلَّمٌ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ»؛
با هر کسی که در جبهه‌ی شما
است، من خوبم؛ «حَرْبٌ لِمَنْ

حَارَبْتَهُمْ»، با هر کسی

که با جبهه‌ی شما می‌جنگد،
می‌جنگم. این جنگ اشکال
مختلفی دارد: در دوران شمشیر و
نیزه یک جور است، در دوران اتم و
هوش مصنوعی و امثال این‌ها یک
جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران
تبلیغات به وسیله‌ی شعر و قصیده
و حدیث و بیان کلمات یک جور
است، در دوران اینترنت و کوانتوم
و امثال این‌ها هم یک جور دیگر
است؛ در دوران دانشجو بودن انسان
یک جور است، در دوران مدیر شدن
و مسئول شدن یک جور دیگر است؛
در همه‌ی احوال هست. «حَرْبٌ
لِمَنْ حَارَبْتَهُمْ» همیشه به معنای
تفنگ به دست گرفتن نیست؛ به
معنای درست‌اندیشیدن، درست
سخن گفتن، درست شناسایی کردن،
دقیق به هدف زدن است. بدانید
وظیفه چیست، بشناسید راهی را
که باید بپیمایید. اگر این جور فکر
کردیم، شناسایی و همت کردیم،
زندگی معنا پیدا می‌کند، زندگی
هدف پیدا می‌کند. پول لایق این
نیست که هدف زندگی باشد؛ مقام
و قدرت و موقعیت‌های اجتماعی
حقیرتر از آن هستند که هدف
زندگی انسان قرار بگیرند. هدف
زندگی بندگی است، رسیدن به
خدا است. راهش هم فقط همین
است: «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ وَ حَرْبٌ
لِمَنْ حَارَبْتَهُمْ.»

جوانی‌تان را قدر بدانید؛
میدان وسیعی در مقابل شما
است. از این فرصت استفاده کنید؛
برای این فرصت طولانی برنامه‌ریزی
کنید؛ برای اینکه برنامه‌ریزی‌تان
درست از آب دربیاید فکر کنید؛ برای
اینکه درست بتوانید فکر کنید با
قرآن آشنا بشوید، قرآن را بخوانید،
تأمل کنید، از کسانی که پیش از
شما و پیش از شما تأمل کردند
یاد بگیرید. یاد گرفتن ننگ نیست،
افتخار است؛ همیشه و تا آخر عمر
باید یاد بگیریم. فکر کنید، مطالعه
کنید، شناسایی کنید، آنجایی که
اقدام لازم است اقدام کنید. اقدام
یک وقت در آزمایشگاه است، یک
وقت در کلاس درس است، یک وقت
داخل محیط دانشگاه است، یک
وقت در محیط اجتماعی است، یک
وقت در محیط سیاسی است، یک
وقت در راه کربلا است، یک وقت در
راه فلسطین است، یک وقت شعار
برای اهداف عالی‌هی اسلامی است.
انقلاب اسلامی این راه را روی ما باز
کرد
عزیزان من، جوان‌های من! شماها
آن روزگار را ندیدید؛ خوشحال باشید
که ندیدید. ما دیدیم آن روزگار را؛
روزگار بدی بود، روزگار سختی بود،
روزگار سیاهی بود، روزگار یأس بود.
انقلاب ورق را برگرداند، انقلاب راه را
باز کرد، انقلاب به ما فرصت داد.
می‌توانیم از این فرصت استفاده

کنیم؛ شما می‌توانید
از این فرصت استفاده کنید.
می‌شود هم استفاده نکرد؛ اگر
استفاده نکردیم، خسران است؛ اگر
استفاده کردیم، فلاح است: «قَدْ
أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ». ان شاء الله که موفق
و مؤید باشید.
والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.»



شوق پرواز

سیده فاطمه حسینی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

دنبال ملجایی خودشان
را می‌کشاند تا بار سنگین
امانت عشق را بر دوش کُشند...

یاور درماندگان بود،
نقل از «میرزا کرم زمانی»،
کتاب «پرواز در بی‌نهایت»

به خاطر دارم مدتی قبل از شهادتش
در حال عبور از خیابان سعدی
قزوین بودم که ناگهان عباس را
دیدم. او معلولی را که از هردو پا
عاجز بود، بردوش گرفته بود و برای
اینکه شناخته نشود، پارچه‌ای نازک
برسر کشیده بود. من او را شناختم و
پیش رفتم و سلام کردم، با شگفتی
پرسیدم

چه اتفاقی افتاده عباس؟ به کجا
می‌روی؟

او که با دیدن من غافلگیر شده
بود، اندکی ایستاد و گفت
پیرمرد را برای استحمام به گرمابه
می‌برم. او کسی را ندارد و مدتی
است که به حمام نرفته! ...

عباس بابایی در پانزدهم مرداد
ماه سال ۱۳۶۶ به شهادت رسید.
روایت‌هایی زیبا و عجیبی در زندگی
او نشانی از لمس حضور خدا در هر
حالتی هستند. چرا که قربانی حق
شد در عید قربان
عاشقانه‌هایش میان پرواز، اوج و
خلوت با معبود، او را شهیدی عاشق
پرواز می‌دانند

و کدامین کلمات عجزشان را از
توصیف او، انکار می‌کنند؟ حال
آنکه به‌اضطرار افتاده‌اند و به



بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله) درباره ی صهیونیسم

معرفی کتاب «دو بجه پایان» بهرخ قادری کارشناسی حقوق

کتاب رو به پایان
جامع‌ترین و کامل‌ترین
گردآوری از سخنان رهبر انقلاب
درباره‌ی اسرائیل است

مطالب کتاب «رو به پایان» از
مطالعه‌ی کل گفتارها و نوشتارهای
درمورد با موضوع از سال ۱۳۴۸
گردآوری و تنظیم شده و نشان‌گر
این است، تحقیقات صورت‌گرفته
برای تدوین این کتاب، محدود
به مواضع معظم‌له پس از رهبری
نبوده و مواضع ایشان در زمان
ریاست‌جمهوری و حتی پیش از آن
نیز مورد بررسی قرار گرفته‌است
این کتاب ۵۶۸ صفحه‌ای، در پنج
بخش اصلی «صهیونیسم شجره‌ی
خبیثه»، «غده‌ی سرطانی»،
«توطئه‌ی فراموشی»، «جراحی
غده‌ی سرطانی» و «تقابل
ایدئولوژیک» در ۲۳ فصل ارائه شده
است. از نظر محتوایی، مطالب کتاب
به دو قسمت اساسی و کلی تقسیم
می‌شود. قسمت اول، دشمن‌شناسی
و بصیرت مسلمانان دنیا در قبال
شناخت دشمن و شناخت سیاست‌ها،
راهبردها و تاکتیک‌های این جبهه
در مقابل جریان حق است که
بخش‌های اول، دوم و سوم به این
مطالب اختصاص دارد و قسمت دوم
که راه مقابله با این شجره‌ی خبیثه
است، در بخش‌های چهارم و پنجم
بحث شده است

کتاب رو به پایان به
شما کمک می‌کند تا با
واقعیت‌های تلخ پشت پرده‌های
جهان صهیونیسم و اسرائیل آشنا
بشوید

برشی از کتاب

«یک روز صهیونیست‌های غاصب با
پشتیبانی قدرت استعمارگر آن روز
دنیا - یعنی انگلیسی‌ها - آمدند در
قلب کشورهای اسلامی و در نقطه‌ی
حساس فلسطین، گوشه‌ای را گرفتند؛
بعد هم ادعای تشکیل دولت کردند
و صاحب‌خانه‌ها را بیرون راندند. بعد
از آن، دائماً به این طرف و آن طرف
حمله و تجاوز کردند و زمین‌ها
را توسعه دادند تا تمام سرزمین
فلسطین و بخشی از اردن و لبنان
و سوریه را تصرف کردند. امروز،
تصرف غاصبانه آن‌ها مخصوص
فلسطین نیست. اگر بتوانند باز هم
این تجاوز و توسعه‌طلبی را ادامه
خواهند داد.»

لاله‌های سرخ

محمدحسین اسفندیاری، فعال دانشجویی

بسم رب الشهداء

صحبت از شهید و شهادت، کار سهلی نیست. چرا که از آن دست مفاهیمی است که نمی‌توان آن را آن‌گونه که شایسته است به بند کلمات کشید و یا حداقل کسی تا به حال نتوانسته شهدا را دقیقاً آن‌گونه که بودند، در قالب متن، کتاب، تصویر، فیلم و هر قالب دیگری بگنجاند. آن کس شهدا را شناخت که شهیدوارانه زندگی کرد و مرگ خود را شهادت قرار داد. همان‌گونه که «سید مرتضی» در قسمتی از «روایت فتح» می‌گوید: «شهدا را جز شهدا نمی‌شناسند!» اما نکته این جاست که شهدا بهترین اسوه‌های تاریخ گذشته و معاصر برای آحاد یک ملت‌اند. چراکه آنان نه پیامبری بودند که وحی بر آن‌ها نازل گردد و نه حجت و امام خدا بر زمین بودند و نه هیچ‌چیز؛ جز انسان‌های معمولی

آنچه باعث شد شهدا از صف آدمیان برگزیده شده و به فیض «عند ربهم یرزقون» برسند، تنها یک چیز است و آن «انتخاب‌های درست» در میان دوگانه‌ها یا چندگانه‌های زندگی در روزگاری که می‌شد پشت میز نشست و کرسی‌های مدیریتی جمهوری تازه تأسیس شده‌ی اسلامی ایران را پر کرد و با داعیه خدمت به خلق، روزگار را سپری کرد و به مقامات عالیه دنیوی رسید، این «شهید مهدی باکری» بود که با میز خدمتش، در شهرداری ارومیه وداع گفت و قدم به عرصه‌ی جهاد گذاشت و جاودانه شد

این «حاج احمد متوسلیان» بود که در لباس مقدس سپاه، در

مسجد میوان فریاد

می‌کشید که مردم باید از سپاه در قبال خرج و مخارج آن، توضیح بخواهند. مردم باید بدانند این پول‌ها کجا خرج شده!

این بود مصداق مردم‌سالاری و شفافیت که هنوز که هنوز است، پس از ۴۵ سال از انقلاب عینیت بخشیدن به این مفاهیم برایمان آرزوست

سال‌ها بود که جبهه‌ی دفاع مقدس پایان یافته بود و هرکس به سهم خود و به واسطه اسم و رسمی که در جبهه‌ها پیدا کرده بود، به مقام، منصب، مسئولیت و کرسی خدمت رسیده بود

این سردار «شهید نورعلی شوشتری» بود که به جای فرماندهی از پشت میز، با سن بالايش، مانند یک تکاور جوان، لباس رزم می‌پوشید و کوله پشتی برمی‌داشت و در کوه و دشت و بیابان‌های سیستان و بلوچستان برای امنیت منطقه مبارزه می‌کرد

آری! شهدا آرمان، اهداف و روش رسیدن خود به آن‌ها را به درستی برگزیدند. آرمان‌هایشان چیزهایی بود که هزاران بار ارزش جان‌فشانی داشت

فسادستیزی، ظلم‌ستیزی، عدالت، حق‌طلبی، مبارزه، معنویت، تدبیر و اخلاص بیش از آنکه لقلقه زبانشان یا نقاب رفتار ریاکارانه‌شان باشد، باطن حقیقی اعمالشان بود. از آن دست انسان‌هایی که جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری به آن‌ها نیاز دارد...

والسلام.





کارشناسی و خرد

نرجس فروهیده کارشناسی علوم سیاسی

جنايات رژيم صهيونيستي در غزه براي مجامع بين‌المللي حقوق بشر آزمايشي بزرگ بود و آنچه در غزه مي‌گذرد، طنز تلخي در تاريخ حقوق بشر است! رژيم صهيونيستي آشکارا پيش چشم کشورهای مدعي حقوق بشر و مجامع بين‌المللي، تمامی مباني و قوانين بين‌المللي و حقوق بشري را نقض و روزانه صدها غيرنظامي از جمله، زنان و کودکان را به خاک و خون مي‌کشد، آب را به روی آنها مي‌بندند و شديدترين محاصره را بر آنها تحميل مي‌کنند. اين يعني هر روز جنايتي بزرگ در حال وقوع است و مدعيان حقوق بشر نيز کاري انجام نمی‌دهند. متأسفانه حقوق بشر به ابزاري در دست کشورهای غربي براي استفاده عليه ساير کشورها شده است.

در روز جهاني حقوق بشر، دهم دسامبر، شاهد نقض آشکار حقوق مردم غزه مقابل چشم مدعيان دفاع از حقوق بشر هستيم حدود يك‌سال از هفتم اکتبر مي‌گذرد،

احقاق حقوق مردم فلسطين تبديل به جنگي یک‌طرفه و نبرد ظالم و مظلوم شده است...

جنگي که براي سانسور آن از هر حربه و ترفندي استفاده مي‌شود تا واقعيتها پوشيده بماند بزرگداشت حقوق بشر اسلامي و کرامت انساني امسال آيينه‌ي تمام نماي مظلوميت مردم فلسطين

است. درحالي که يکي از بزرگ‌ترين مدافعان فلسطين يعني «اسماعيل هنيهه»، رهبر حماس، به شهادت رسیده و مردم غزه از قحطی و ترس از حملات وحشيانه‌ي اسرئيل در هراسند، حقوق بشري گرامی داشته می‌شود که وجود ندارد حکايت عجيبی است! آمريکا پس از حمله‌ي اتمي به ژاپن، ابرقدرتي دروغين شد و اسرئيل پس از غضب فلسطين، ابرزورگوي دنيا





شہید میلاد بیدی، فدائی حریم زینب (س)

فاطمہ مراد پور کارشناسی ارشد علوم سیاسی گرایش اندیشه
سیاسی

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ و هرگز گمان مبر آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانند؛ بلکه آن‌ها زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» (سوره‌ی آل‌عمران-آیه ۱۶۹)

سلام بر آن‌هایی که از نفس افتادند تا ما از نفس نیفتیم قامت راست کردند تا ما قامت خم نکنیم به خاک افتادند تا ما به خاک نیفتیم آن‌هایی که شهید شدند و نماندند تا بمیرند و سلام بر تمامی شهدای تاریخ اسلام و ایران...

«شهید میلاد بیدی» از مستشاران نظامی ایران در سوریه و لبنان بود که به واسطه‌ی حمله‌ی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به «ضاحیه» در جنوب لبنان و در مجاورت ساختمانی که صهیونیست‌ها شهید «فواد علی شکر»؛ فرمانده‌ی ارشد مقاومت اسلامی لبنان را ترور کردند، به درجه‌ی رفیع شهادت رسید.

پیگر شهید میلاد بیدی در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ با حضور جمع کثیری از مردم، مقامات کشوری و لشکری در تهران و در قطعه ۵۰ بهشت زهرا به خاک سپرده شد

«سید علی موسوی»، برادر

همسر شهید میلاد بیدی در وصف خصوصیات و سجایای این شهید بزرگوار گفتند: «از مهم‌ترین سجایای شهید بیدی، می‌توان به شجاعت او اشاره کرد. میلاد در عین شجاعت، قلبی بسیار رئوف داشت. هیچ‌گاه از ایشان کوچک‌ترین تندی و بداخلاقی در زندگی شخصی و مراوداتش ندیده بودیم و سراغ نداریم. شهید بیدی به آنچه می‌دانست عمل می‌کرد. نمازش را اول وقت می‌خواند. خمسه‌ش را پرداخت می‌کرد. وجوهات شرعی‌اش را بدون اتلاف وقت حساب می‌کرد و همه‌ی شعایر دینی را به‌جای می‌آورد. حلال و حرامی که سرش می‌شد و بر او آشکار بود را رعایت می‌کرد

آقا میلاد متولد ۱۳۷۳ بود یعنی امسال (سال ۱۴۰۳)، تازه ۳۰ سالش می‌شد. چند سال به واسطه‌ی شغلش در سپاه قدس به لبنان و سوریه رفته بود. زمان تسلط داعش بر بخشی از منطقه در جبهه‌ها علیه این گروه تروریستی به میدان رفت. حضورش با ورود به سپاه قدس ادامه یافت. سال ۱۳۹۹ با خواهر من ازدواج کرد. به اصرار خواهر و مادرم، حضورشان را در منطقه کم کردند. به همین دلیل چند سال اخیر کارشان جنبه‌ی اداری به خود گرفت. این اواخر چندبار درخواست داد که در منطقه حضور یابد



و قطعاً درک نمی‌کنیم
که امثال او چه معامله‌ای با
خدا کرده‌اند

با میلاد که صحبت می‌کردم خیلی خوشحال بود و می‌گفت که مادر و خواهرم قبول کرده‌اند به لبنان بازگردد و همین شد که حدود یک‌هفته به منطقه رفت و درنهایت به آرزوی خود یعنی شهادت رسید. روز سه‌شنبه، اطلاع یافتیم که یک نفر غیرلبنانی در حمله‌ای شهید شده است. با خواهرم تماس گرفتم و به او دلداری دادم؛ اما او همچنان بی‌تابی می‌کرد و انگار به دلش آمده بود که میلاد آسمانی شده است. چهارشنبه خبر رسمی را دریافت کردیم که آقا میلاد همان فرد غیرلبنانی است که دعوت حق را لبیک گفته است. وقتی پیکرش آمد، به خواهرم گفتند شما اجازه ندارید روی کفن را باز کنید؛ چراکه از آنجا به من اطلاع دادند که وضع صورت و بدن مناسب نیست. دیده بودم و دریافتم که روی شهدای مدافع حرم را می‌پوشانند و نمی‌توان آن‌ها را دید. داخل قبر یک نفر روی او را کنار زد تا اهل خانواده برای آخرین بار روی شهید را ببینند. با خود فکر کردم که حضرت رقیه (س) با ۳ سال سن، چگونه سر از بدن جدا شده‌ی حضرت سیدالشهدا (س) را دید و تحمل کرد و جان‌به‌جان آفرین تسلیم کرد!»

همچنین شهید بیدی
در وصیت‌نامه خود خطاب به
همسرشان گفتند
«دل‌تنگم...»

لکن این دل‌تنگی را خودخواسته به
جان خریده‌ایم زیرا می‌دانیم که
این عاشقانه‌ای میان ما و خداست.
از آن عاشقانه‌های اَحلی من العسل
و ما رأیت الا جمیلاً...»

سخن نویسنده:

یقین دارم که اگر با آرامش و
امنیتی لذت‌بخش و دلنشین در
کانون گرم خانواده روزها را سپری
می‌کنیم

با دوستانمان هم صحبت می‌شویم؛
کارهای روزمره را بدون کوچک‌ترین
ترس و ناراحتی و با خیالی آسوده
انجام می‌دهیم

همه را مدیون خون سرخ شما
شهدا هستیم که جان خود را
خالصانه تقدیم حق تعالی کردید و از
تمام هستی و وجودتان گذشتید، تا
کافران و منافقان و دشمنان، نتوانند
تهدیدی برای این آب و خاک باشند.
علاوه‌بر شما بزرگواران، خانواده‌هایتان
حقی بزرگ بر گردن ما دارند که
امیدواریم قدرتان آن‌ها باشیم و
درنهایت از خداوند می‌خواهیم، به
دل شکسته‌شان صبری عطا کند تا
تحمل این امتحان عظیم الهی را تا
ظهور حضرت مهدی (عج) داشته
باشند

در صورت لیاقت و به شرط قبولی از سمت برادران شهیدم، این متن را تقدیم می‌کنم، به خانواده‌های شهدا خصوصاً فرزندِ خردسال شهید میلاد بیدی که نعمت برخورداری از وجود پدر برایشان کوتاه بود باشد که مورد قبول واقع شود، ان شاءالله.
«همانا شهدا سنگ نشانند که ره گم نکنیم...»



فلسطين

ملك لكل الفلسطينيين

Palestine belongs to all Palestinians



Shiraz University